



احصایی در شطرنج سرنوشت

تجلیباورهای خانوادگیدرسیمایمردهنرآفرین



على ياكزاد

محمد احصایی متولد سال ۱۳۱۸ در قزوین و فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که کمتر حاضر به مصاحبه می شود. کارهایش را در آرامش انجـام می دهد و همواره حاُصلَ آثارُشُ دُر خور تحسین بودهاست. آشنایُی با کارهای احصایی به سالهای دور برمی *گ*رده؛ دوران کودکیام پر بود از سوالهایی که با دیدن رارس تابلوهای آویخته به دیوار خانــه، در ذهنم ایجاد میشد، یکی از آنهانقاشیخطاستاداحصایی است که مادرم آن را خریده بود وامروز به همان دوران فکر می کنم، به دوران کودکی خودم و تابلوهای حصايي و گذشته او که حضور همراهاني همچون عباس کیارستمی، مرتضی ممیز، علی اصغر عباس کیارستمی، مرتضی ممیز، علی اصغر معصومی، آیدین آغداشــلوو... در کنارش، باعث شداو به عنوان یک نقاش و خوشنویس به هنر گرافیک بیشتر نزدیک شود. همه اینها مقداری میشود تابه سراغ استاد بروم کنج خلوتش جایی ی ر است در جاده هراز... شــاید بــرای شــه

ماكــه خواننــده روزنامــ هلال احمريد، جالب است بدانيد احصايي بيش از نيم قرن پيش كارش را به صورت حرفه اى با مجله یمارری از کاری کرد. جمعیت شیر و خورشید سرخ جوانان ایران آغاز کرده بود. او می گوید: «فکر می کنم تنها نهادی که از قدیمالایام در کشور ما وجود داشته و مردم هم با آن حس خویشتن پنداری دارند جمعیت هلال احمر است زیرا ایس نهاداز آن دسته نهادهایی است که در کشور، فرهنگ داوطلبی و پیر خیرخواهی را سرلوحه شعارهای خود قرار داده و در این راه هم تا حد زیادی موفق بوده است. من ه . ه شخصه فعالیت حرفه ای خود را از همین نهاد شروع كردم.»

سروع مرتم... احصایی، ماجرای آشناییاش با هلال احمر را این گونه برایم بیان می کند: «بعداز اتمام دانشگاه و فارغالتحصيلي از دانشســراي تهران يا بايد به ربازي ميرفتم يا اين كه اگر واجد شرايط بود وزارت آموزش وپرورش به من پیشنهاد میداد که به جای ۲سال خدمت سربازی، ۵سال در خدمت وزارت آموزش وپرورش باشـــم و به شغل مقدس معلمى بيردازم منهمازاين قائله مستثنى نبوده و به این جمع اضافه شدم و به یکی از روستاهای شهرری اعزام شدم تا در آن جامشغول تدریس ۱۳۰۶ مراک ۱۰ ۱ ۱ مراک ۱۰ ۱ مراک ۱۰ ۱ مرورش شــوم. بعد از یک-ســال رئیس آموزش وپرورش شهرری در آن زمان برای سر کشی به این ده آمد

و بامن دیدار کرد و طی این دیدار به من پیشنهاد داد تا به اداره مرکزی آموزش وپرورش شبهرری نقل مکان کنم و من هم پذیرفتـــه. بعد از کمی فعالیت و دیدو باز دیدهای فراوان، دیداری بادکتر اکرامی داشتم که آن زمان رئیس نهاد جوانان شیروخورشید سرخ در کشــور بودند. برحسب اتفاقٌ، دکّتر اکرامی بعضی از طُرُحُهای مُرا دیده بودوپیشنهاد کاردر مجله شیروخورشیدرابه من دادو قرار شد که بعداز استخدام به عنوان گرداننده . له شـروع به کار کنم که هم شد. از آن به بعد من عضو نهاد جوانان بودم و در فعالیتُ های آنان به گونهای سهیم شدم. هرچه می گذشت، بیشتر با فعالیتهای خیرخواهانه و

۔ داوطلبانه آشنا میشدم. طرحهای من کم کم در بیشتر کتابهای درسی آن زمان جایی را برای خود باز کرد و با گذر زمان هم هیچتغییری در

بله! او جذب نهاد جوانان شد، اما پیشینه کار بیده و بعدی بود بودن داوطلبانیه و گرایش به نیکی کــردن، موضوعی بود که ریشــه در پیورش خانوادگیاش داشت. شاید نخســتین جایی که هر کس یادمی گیرد، دغدغه دیگران را داشته باشد و کمک به دیگران را فرابگیرد خُانواُده است. احصایی از این مهم مستثنی نبوده است. او در ارتباط با خانوادهاش مستندی بیونده است. و سر ارب به حرف این گونه می گوید: «من در خانواده متوسطی برزگ شدهام گرچه پدر و مادر مین افراد . رر زحمتکش و با دیسـیپلینی بودندامــا در ظاهر م خانواده متمولی قلمداد نمی شدیم. در خانه و خانواده مسا، پدر و مادر از بسسیاری موضوعات مختلف گذشــتند تا به ارزش هایی که باور شان بود، برسند در طول زندگی همین ارزشها پایه واساس تربيت ماشدو تبديل بهر هنمودهايي شد

تامادرزندگىشخصىمانبەكارببريم. پــدرم برای تربیــت من مراقبت بســیار کرد؛ ى توانم بگويم كه سرسـختُ ترين پــدر دنياً, ا مامااین سختگیریها به گونهای بود که مرا ناراحت نمي كرد بلكه كمكي براى بهتر زيستن در صنعت به منان زیادی را در طول گذر عملی من بود دوستان زیادی را در طول گذر عمر همراه خود دیدم اما آیین دوستایی را از پدر فرا گرفتم، همیشه پدرم به من یادآور می شد که دوست، بخشی از شخصیت تواست؛ سعی کن با بهتر از خودت همراه شموی تامورد قضاوتهای ەنبور-تىدانىد كەاحصايى . بیجُاقُرار نگیری، ُخوباُس ے۔ عمین راموروش را درمےورد فرزندان خود به کار گرفته است. او پدری شده با نصایحی که راهگشا و سعادت بخش است. احصایسی، دغدغه ها و

نگرانی هایش رااز مراقبت نادر س برخُورد با فرزندان دُر خانوادهُها با ذَکر خُاطراتی جالــباز زندگی خــود بیان می کنــد: «یکی از مشكلات امروز جامعه ما شايد مراقبت نكردن ـــاَبی از فرزندان در خانواده است. در رستور سسبی ر مررتان در سوده در تربیت فانواده ما، پدر و مادر دو نقش متفاوت در تربیت فرزندان از خُودُ نُشــاُن مُیدادند. پدُرم همُوارُ هدر تعیین منش زندگی و کسب بهترین نحوه آداب معاشب ت با ما هم اه بودو مادر م هم در مسائل و

شدو تأثیر بی بدیلی در رفتارهای مُن و زندگی شخصیام گذاشت.» - . شـاید ذوق و حوصله و آرامش اســتاد، بهرهای باشداز تجُربيات پدر. وي مي گويد: «پدر و مادرم به زندگی من سروشکلی تازه بخشیدند. پدر من نقاشُ ساختمانٌ بُسود، از آن نقاشهایی که یک کاری را که قبول می کرد، مدتها طول می کشید تا آن را تحویل دهد. همه می گفتند که این همه

گفتو گوها طی زمانهای طولانی در ذهنم ثبت



موضوعات شرعی ما را یاری می کرد. هیچوقت یادم نمی رود، ایام ماه رمضان که می شد حال و " را کی کرد هوای خاصی در خانه ما حکمفرما بود. نزدیک اذان مغرب که می شد مادرم می گفت، محمد جان اول نمازت را بخوان و بعد افطار کن اما . بی روی در بر کرد. من زیربار نمی رفتم و در جــواب می گفتی اول باید شکم سیر شــود و بعد نماز می خوانم. این

ساختمان عاقلانه صرف زمان برای یک نقاش زمان برای یک نفاشــی ساحتمان عافلانه ت، حتی کســانی که برای او کار می کردند

ی ہے۔ مے گفتند، بدر شــمابهحدہ۔ می گفتند، پدر شــما به حدی به مُســئولیتی که می پذیــرد، اهمیت می دهد که ایــن رفتار گاهی به ضرر کسیبوکار ما و خود او هم تمام می شود. به قول خودش مدل الماني كار مي كرد و قانون و مسئوليت پذيري راسرلوحه كارش قرار مي داد.

> • پـدرم بـرای تربیـت مـن مراقبـت بسـیار کـرد؛ می توانـم بگویـم کـه پیسرز موره با برای طریبیت سی مرجبیت بیشتر و طرفه بی خونه به برخی مرا سرسخت ترین پدر دنیار اداشت تم اما این سختگیری ها به گونهای بود که مرا ناراحت نمی کرد بلکه کمکی برای بهتر زیست نم بود. دوست این در طول گذر عمر همراه خود دیدم اما آیین دوست یابی را از پدر فرا گرفتم.

• در خانه و خانواده ما، پدر و مادر از بســیاری موضوعات مختلف گذ به ارزشهایی که باورشان بود، برسند. در طول زندگی همین ارزشها پایه و اساس تربیت ما شدو تبدیل به رهنمودهایی شد تا مادر زندگی شخصیمان به كار ببريم.

این نوع رفتار در کانون خانواده هم به خوبی دیده می شد و تأثیر بسزایی در دوران جوانی روی من گذاشته بود. آن نوع رفتار در دیروز، زندگی امروز من در خانــوادهام را رنگین و متنوع کرده و تأثیر بسزایی داشته است. به طوری که من در کارهای حرفهای و زندگی خانوادگی ام هم مشورت کرده و از راهنمایی های خانواده استفاده می کنم. مهم ترین آموزهای که از خانسواده ام یاد گرفتم، احساس مسئوليت است. اين احساس به آدم حال سرخوشیمیدهد،اگرمسئولیتپذیریراقبول داشته باشی و بیذیری، یکی از مهم ترین فضایلی

استه باسی و بپدیری یعنی (مهموترین فضییتی است که می توانی کسب کنی» احصایی از سال ۵۴ شروع به کشیدن تابلوهایی کرد کسه عمدتا با کلمسه «الله» یا آیه «لاالهالالله» شسکل می گیرد و به گفته خودش، نوعی ذکر تصویری «الله» و نمـودی از عرفان و توسی تا در نصویری «بعه» و نخصودی از طرحان و تصوف اسلامی است. او تاکنون چند نوبت به این کارها، که بهنام کارهای الله معروف است. پرداخته و در آخرین دستاورد رنگ را به کلی از میان برداشته تا در بی رنگی و بی اختیاری سفید روی سفید و سیاه با سیاه که هردو تجلی از نور البته أين علاقه شديد احسايي به كلمات آسماني و به خصوص كلمه جلاله در زندگياش نیز نمود بارزی داشته است. او همچنان قرآن را عزیز دانسته و رجوع به آن رایگانه راه نجات میداند و البته فعالیتهایسی را نیز دراین باره از چندی پیش شروع کرده است. استاد از سالها پیش به تحریر قــرآن به قلم محقــق مبادرت کرده و در حال حاضر مشغول نوشتن آن است. او تَاكنُونُ ٢٠جَزء از قرآن را نَكَاشَــته كه شكل رو عمون صفحات الهام گرفته از شمیوههای هنری دوره مغول و تیموری است.احصایی می گوید: «من زمینه حضور قرآن را در میان زندگی و خانوادهام ر به خوبی مهیا کرده ام و آمروز نیز خانواده سرحال و خوشحالی را در کنارم می بینم. قرآن راه گشایی پزرگ است که می تواند اثر مثبتی را در زندگی . أَدْمَيان بگذارد.» تجربيات اُســتاد و نَام و أُوازه او در جامعه هنری و رســانهای برکســی پوشیده ر بست سری ورست ی پرستی پرستی این ستخال در نیست تجربهای که از همان دوران اشتغال در وزار تخانههای فرهنگ و آموزش و پرورش آغاز شده بود. از آن زمان که در گیر کتابهای درسی شد و آنجاً به صفحهبندی و سپس سرپرستی آتلیه گرافیک مشخول میشود و پس از مدتی ۔ ۔ ۔ ۔ ۔ ۔ بات کے اس کی اس کے اس کے اس کے اس کے الیف بات عنوان کارشناس کتابھای راھنمایی و تالیف را پی می گیرد و قصهاش ادامه دار د تا به همین

امروز. احصایسی می گوید: «من علاقــه زیادی به مجلات و روزنامههای مختلــف دارم و اصلا خودم هم کارم را با مجله جوانان شیروخور شید طراحی کرُدهام، آن مجله و روزنامه توقیف شده است. البته نه برای طراحیهای من بلکه برای موضوعات دیگر که شاید این تصورات من است و این گونه فکر می کنم که من هم تا حدودی در به وجود آمدن این اتفاقات سهیم باشم یا شاید

بم همه اینها تصورات من است. البته پیش خــودم می گویم که تصور اس درست است. عرصهای که استاد بدان اشاره دارد، ر عرصه تفکر و هوشیاری است و کدام کار استاد در آفرینش هر اثر، بی تدبیر بوده است؟ مگر نه این است که او بنیان گذار نقاشیخط در ایران است؟ كارى كه أين هنرمند چندسال بعد از نقاشان رص سقاخانه انجام داده بود و ابتدا با مخالفت و سپس با تقلید بسیاری از خوشنویسان روبهرو ش با تمام این سختی ها آه در کار نقاشیخط و ارایه و به نهام این تسخیه ها و دار عدسید در بر ر توسعه آن بیش از دیگران پایمردی کر دهو تاکنون همچنان در عرصههای داخلی وبین المللی خوش

. شایداین تجارب بسیار احصایی از سالیان دور و دراز تا هماکنون، او را صبور کرده است. خالی از ر رار ۱٫۰۰۰ را ۱٫۰۰۰ را ۱٫۰۰۰ را ۱۸۰۰ در همین زمینه برایـــم می گویـــد، در این جابیـــاورم: «یکبار طی برایــم می نویــده ار این جا بیــاورم ۱۱ یخبار طعی جلســـهای که در موزه هنرهای معاصر داشـــتم جمعــی از دوســتان هنرمند حاضــر بودند که میگفتند آقای احصایی چه بهایی، چه دقتی و چه مسئولیتی در کارهایمان داشته باشیم؟ مگر می شود! اکنون در عصری هستیم که پول بالای کارهای هنری نمی دهند و ما هرچه از خودمان مایه می گذاریم، فایدهای ندارد!من هم در جواب به آنها گفتم کم پولتان راندادند، برای کارتان به ایه نسم — چر- بر ارزش قایل نبودند،مهم نیستاشماهم نفرینشان کنید(خنده حضار)اماکار رادرستانجام دهید، استادراست می گویداماً چه بسیار هنرمندانی که تابوتحمل سختی را نداشتند و جلای وطن کردند به یاد می آورم که خیلی از هنرمندان کردند به کنون در ایران نیستند، مثل همان علی اصغر معصومــُی کــه روز گاری همراه احصایــی بود. حصایی در این مورد هم حرفهایی شــنیدنی نارد.ويمي گويد:

حــُثُمهاجــرت اســُت. البته مُهاجَــرت تَمام یرانیان و ترک کشورشـان دردناک اسـ نمام عیار هستند و ترک کشور توسط آنها مانند تیری بر قلبمان می ماند. چندی پیش از خبری درباره مهاجرت ۳۰۰ هزار نفر از مردم کشورمان وعده قابل توجهی افراد سرشناس مطلع شدم. با خود گفتم ۳ بار ورزشگاه آزادی را با آن عظمت پروخالی کنید، تازه می شود تعداد افرادی که در این چندوقت اخیر از کشور مهاجرت کردهاند بیشتر این افراد، انسان هایی باسواد هستند که ... می توانند تا حد زیادی برای کشور مفید باشند و نبود آنان دل هر دلسوزی را بهدر دمی آور د.»

بُساری این روزها اقبُسال به کارهای احصایی مچنسان ادامه دارد افزون بر اقبال رسسمی حصایسی در عرصه فروش آثار هنسری در داخل و خارج کشــور نیز رکورددار بوده است. درسال ۱۳۸۵ گران ترین اثر نقاشیخط حراج کریستیز دویی متعلق به او با نام «اســما«الله» بود. تاکنون رکورداستادامادر فروش تابلویی بهاندازه ۲متر در متر بوده با عنوان «او بخشنده است» که مبلغی بالغ بر یکمیلیون و ۱۸۰هزار دلار ارزش گذاری

محمــداحصایی آثــار ارزشــمندی در نقش ســـته دارد. در این بخــش از فعالیت هنری نیز عنصــر اصلــی کارهای هنرمنــد همچنان خوشنویســی و بازی خلاقانه با حروف اسـت. معروف ترين و محبوب ترين آنها نقش برجسته نالار اجتماعات دانشكده الهيات دانشگاه تهران ر. ــت که درســال ۱۳۵۶ آن را اجرا کرده اس اثری عظیم که درقالب حسروف و بازی با حرکت و ترکیب کلمات به بازنمایی حسی شعر عطار در منطق الطیروفراز وفرود سیمرغ پر داخته است. اثر ستنورومروروسیمرچ پرد تحصیت درگری که احصایی در قالب نقش پر جسته آفریده، نمای سفارت ایران در ابوظبی است که آن جا نحوه آفرینش هُنری به کلی با تالار دانشکده الهیات دُر تهران فرق دارد و حــروف تکـرنگ بر زمینهای بهظاهر کهنــه و هندســی و انتزاعــی آمدهاند . حروفی که هنر خوشنویسی مارا درخطوطی چون ثلث و محقق، همرخداد و مشترک با پ عراب می کنسد و علاقه آنها را نیسز برمی انگیزد. احصایی دربساره روش کار حرفسهای و زندگی شـخصىاش نيزيک ملاک مهم دارد که آن هم ستحصیاس بیر پندامر در تفاوت بازی شطرنج با براســاس تحلیلی از او در تفاوت بازی شطرنج با تختفبزد است وی در این باره می گویند: یکی ای مهم ترین موضوعاتی را که در زندگی ســر لوحه کار خــود قـــرار دادهام، تفاوت بـــازی تختفنزد و شـطرنج بوده اسـت؛ اگر دقت کنیــد در بازی نرد، تاس است که در بازی تعیین تکلیف می کندو شمامی توانید با یک تماس خوب و با بازی مناسب هر کسی را مغلوب کنید و بارها دیدهایم که شاگردان،استاد خود را در این بازی دەاند كە ىك مغلوب ک دوانداما تا به حال نشب استاد شطرنج مغلوب شاگردش شود! موضوع هم همین جاست که شما در شطرنج، سرنوشت بازی را خود در دست دارید و تصم من هم مدل زندگی کردن در خانواده و پیرامون ت ۱۰۰ مار کی از ۱۰۰ مرکزی مسائل کاری!مهمین گونهبودهاست و تاکنون نیز جوابگرفته!م.»